



۷ دستورالعمل اخلاقی «سیداحمد کربلایی» / استاد علامه قاضی را بهتر بشناسیم

مدرس عرفان اسلامی درباره استاد علامه قاضی گفت: آیت‌الله سیداحمد کربلایی در سن حدود ۴۰ سالگی به عنوان نامزد مرجعیت شیعیان انتخاب شد.

حسن اردشیری در گفت‌وگوی مشروح با فارس بیان کرد

۷ دستورالعمل اخلاقی «سیداحمد کربلایی» / استاد علامه قاضی را بهتر بشناسیم

مدرس عرفان اسلامی درباره استاد علامه قاضی گفت: آیت‌الله سیداحمد کربلایی در سن حدود ۴۰ سالگی به عنوان نامزد مرجعیت شیعیان انتخاب شد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، آیت‌الله سید احمد کربلایی از عرفای بزرگ شیعه که از شاگردان معروف آخوند ملا حسینقلی همدانی و استاد «علامه سید علی آقا قاضی» بود، در روز جمعه، ۲۷ شوال ۱۳۳۲ در آخرین تشهد نماز عصر رحلت کرد.

مرقد مطهر وی در نجف اشرف، صحن حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در قسمت شمالی قرار دارد. خاندان پدری سید احمد، اصالتاً اهل تهران بودند؛ اما پدرش برای تحصیل معارف دین به شهر کربلا رفته بود، و در آنجا به فراگیری آموزه‌های دینی اسلامی پرداخته بود. به همین علت، سید احمد کربلایی، به سید احمد کربلایی تهرانی نیز شهرت یافت. از آنجا که این عالم بزرگوار، در هنگام عبادت و نیایش، بسیار گریه می‌کرد به «بکاء» هم معروف شده است و گویا یکی از حشمان، اه، د اث بماء،، نامنا شد؛ از اب، ۱۰، «ه احد العبد،» هم نامیده شده است. حسن اردشیری لاجیمی مدرس عرفان اسلامی و مؤلف کتاب «سند عرفان در باب حالات عرفانی آیت‌الله سید احمد کربلایی» در گفت‌وگو با فارس درباره سید احمد کربلایی اظهار داشت: آیت‌الله سید احمد موسوی کربلایی (ره) از بزرگان و علمای عصر بوده است. به نقل تاریخ پس از استادش مردم آیت‌الله العظمی ملا حسینقلی همدانی(ره) حوزه تدریس اخلاق و سیر و سلوک بزرگی در کربلا داشت.

دو شاگرد برجسته سید احمد کربلایی

وی افزود: بعد اخلاقی ممتاز ایشان باعث شد تا بزرگانی از جمله آیت‌الله سید علی‌آقا قاضی طباطبائی و آیت‌الله آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی از وجود این مرد الهی بهره‌مند شوند و به مراتب عالی عرفانی و معنوی برسند.

حالات سید احمد کربلایی در بیان شیخ آقا بزرگ تهرانی

اردشیری با اشاره به اینکه آیت‌الله سید احمد کربلایی دارای ویژگی‌های خاصی بود گفت: علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی (ره) در کتاب نقباء البشر در توصیف آیت‌الله کربلایی می‌نویسند: سید احمد یگانه فرد عصر خود در مراتب علم و عمل و سلوک و زهد و ورع و تقوی و معرفت بالله و خوف و خشیت بود. آیت‌الله کربلایی نمازهای خود را در مکان‌های خلوت به جای می‌آورد و از اقتدا کردن مردم به ایشان در نمازها خوداری می‌نمود و بسیار گریه می‌کرد، بطوری که نمی‌توانست از گریه در نمازها خویشتن‌داری نماید.

اگر جهنم رفتن واجب کفایی باشد به قدر کافی افرادی هستند که بخواهند بروند!

این مدرس عرفان اسلامی با نقل داستانی گفت: در موقع رحلت مرجعی از مراجع تقلید، اگر تهرانی‌ها یعنی علماء و تجار تهران به کسی رجوع می‌نمودند و از او تقلید می‌کردند، او مرجع تقلید تمام شیعیان می‌شد و همه بلاد و شهرها به تبع تهرانی‌ها از او تقلید می‌کردند. در آن زمان تهرانی‌ها به حاج سید احمد رجوع کردند تا از او تقلید کنند ولی ایشان نپذیرفت و در جواب گفت: اگر جهنم رفتن واجب کفائی باشد، «من به الکفایه»، موجود است.

فقاہت سید احمد کربلایی

اردشیری به روایتی دیگری که در این رابطه موجود است اشاره کرد و گفت: راجع به علم و فقاہت آیت‌الله کربلایی در علوم رسمی همین بس که در سن حدود چهل سالگی ایشان را به عنوان نامزد مرجعیت شیعیان انتخاب نمودند و همه او را به نبوغ علمی و تقوای روحی قبول داشتند، ولی خود ایشان حاضر نشد فتوی دهد و یا رساله بنویسد.

وی تاکید کرد: آیت‌الله کربلایی حتی از اقامه نماز جماعت، همچون علامه قاضی و استاد علامه طباطبائی رضوان‌الله تعالی علیهم خودداری کرد. (ظاهراً علت اینکه علامه طباطبائی هیچگاه امام جماعت نشد این بود که علامه قاضی چنین بود و علت این امر هم امام جماعت نشدن سید احمد کربلایی بود.)

حکایت آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی و سید احمد کربلایی

مؤلف کتاب «سند عرفان» ابراز داشت: مرحوم آقای حاج سید ابوالقاسم لواسانی (ره) از شاگردان مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی(ره) و مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید احمد طهرانی بوده و نیز وصی مرحوم آقای حاج سید احمد کربلایی بوده است و مرحوم آقای حاج سید احمد کربلایی در حالی که سرش در دامن آیت‌الله لواسانی بوده رحلت نموده است.

وی ادامه داد: مرحوم حاج سید ابوالقاسم می‌گفتند: روزی از روزها که درس تمام شد و شاگردان شروع به رفتن کردند، من هم برخاستم که مرحوم استاد حاج سید احمد فرمودند: آقای سید ابوالقاسم اگر کاری نداری قدری بنشین! من دانستم که ایشان کار خصوصی دارند. عرض کردم: نه کاری ندارم و نشستم. پس از آنکه همه رفتند فرمودند: برای آقا میرزا محمد تقی بنویس! سپس حالشان منقلب شد و گفتند: آه، آه، خودش گفته است، خودش گفته است، مسلم است، مسلم است و چنان انقلاب حال پیدا کردند

که بی حال شدند.

اردشیری ادامه داد: ما پنداشتیم که شاید آقای میرزا محمد تقی درباره ایشان جمله زنده‌ای گفته و یا نسبتی داده که موجب شده ایشان تا این حد ملول و ناراحت شده باشند. از طرفی دیگر می‌دانستیم که آقای میرزا محمد تقی شیرازی شخص عادل و با ورع و متقی است و هیچ‌گاه کلمه‌ای که در آن غیبت و خلاف واقع باشد، نمی‌زنند. قدری که آیت‌الله کربلایی سر حال آمدند فرمودند: این مرد (یعنی آقای میرزا محمد تقی شیرازی) احتیاطات خود را به من ارجاع داده است و افرادی به او مراجعه کرده‌اند و از او پرسیده‌اند که اگر خدای ناکرده برای شما واقعه‌ای اتفاق بیفتد ما بعد از شما از چه کسی تقلید کنیم؟ و اینک در احتیاطات شما به که مراجعه نمائیم؟! آقای میرزا محمد تقی در جواب گفته است: به سید احمد، من غیر از او کسی را سراغ ندارم. آقا سید ابوالقاسم! برای او بنویس که: میرزا محمد تقی شما در امور دنیا حکومت دارید! اگر دیگر از این کارها بکنید و کسی را ارجاع دهید فردای قیامت در محضر جدم رسول خدا(ص) که حکومت در دست ماست از شما شکایت خواهم کرد و از شما راضی نخواهم شد.

آخرین نماز آیت‌الله سید احمد کربلایی

این مدرس عرفان اسلامی با اشاره به اینکه نماز از جمله اذکاری است که به هیچ وجه سالک از آن بی‌نیاز نمی‌شود اظهار داشت: هرچه مقامات عالی‌تر می‌شود این نیاز بیشتر و کیفیت آن نیز بهتر می‌شود زیرا نماز بارزترین جلوه راز و نیاز و عاشقی بین عاشق و معشوق بوده و بی آن راهی برای ارتباط نخواهد بود. لذا هر چه درجات عالی‌تر می‌شود و ارتباط معنوی قوی‌تر می‌گردد نماز نیز اوج بیشتری می‌یابد.

وی ادامه داد: آقا سید احمد کربلایی نیز از جمله عرفایی بود که به کثیر البکاء بودن در نوافل معروف و مشهور بود. این ویژگی آن چنان بوده که آخرین لحظه‌های حیاتش در عالم فانی، به نماز عصر اختصاص یافت و در واقع ندبه‌های دلتنگی‌اش پایان یافت و به وصل و التیام انجامید.

عرفا به دنبال کشف و کرامت نبودند

اردشیری، داستانی از زهد آیت‌الله کربلایی نقل کرد و گفت: مرحوم علامه قاضی(ره) فرمودند: مرحوم آقا سید احمد کربلایی می‌گفت: در سفری به یک درویش روشن ضمیر برخورد کردم. او به من گفت: من ماموریت دارم شما را از دو چیز مطلع کنم: اول کیمیا و دوم آنکه من فردا می‌میرم و شما مرا تجهیز نموده و دفن نمایید. مرحوم آقا سید احمد در جواب فرموده بود: من به کیمیا نیازی ندارم و اما تجهیزات شما را حاضرم. فردا آن درویش فوت می‌کند و مرحوم آقا سید متکفل تجهیزات و کفن و دفن او می‌شوند. وی تاکید کرد: همانطوری که می‌بینید عالمان ربانی هیچ وقت به خاطر کشف و کرامات و از این نوع کارهای خارق‌العاده به دنبال عرفان نبودند بلکه همیشه به فکر تعالی و انسان شدن و متخلق شدن به اخلاق الهی بودند.

تفاوت ملا حسینقلی همدانی با سید احمد کربلایی

اردشیری بیان داشت: استاد محمد حسن قاضی یکی از فرزندان آیت‌الله سید علی قاضی(ره) می‌فرمود: یک اختلافی در روش مرحوم کربلایی با استادشان وجود داشت. ملا حسینقلی نسبت به امور معیشتی و دنیایی خیلی بی‌علاقگی نشان می‌دادند ولی آقا سید احمد ادب، طه، نهد. آقا سید احمد خیل، به هئات ه لباس و زندگی‌اش مقید بود.

دستورالعمل‌های اخلاقی سید احمد کربلایی(ره)

حسن اردشیری در پایان به دستورالعمل‌هایی که سید احمد کربلایی برای یکی از شاگردان خود صادر کرده اشاره کرد و گفت: این دستورالعمل‌ها عبارتند از: 1. مواظبت کامل بر اداء واجبات و ترک محرمات. 2. کمال مراقبت در طول روز. 3. هنگام خوابیدن محاسبه نفس کردن. 4. در صورتی که نفس، مخالفتی نموده آن را جبران نماید و نفس را با انجام ضد میل او مجازات کند. 5. در هر شب جمعه و عصر جمعه صد مرتبه سوره قدر را بخواند. 6. اهم از همه اینکه در تمام اوقات و در همه احوال، حضرت حق جل و علا را حاضر و ناظر بداند. 7. دوام توجه و توسل به حضرت حجت عجل الله فرجه که واسطه فیض زمان است و بعد از هر نماز دعای غیبت که «اللهم عرّفنی نفسك... است خوانده، و سه سوره توحید هدیه به آن بزرگوار و دعای فرج «اللهم عظم البلاء... را ترک ننماید.